



حافظ

آن که در طرز غزل نکته به حافظ آموخت
یار شیرین سخن نادره گفتار من است

صفحات: ۱۰ | مدیر: علیرضا بهرامی

صفحه آخر

همشهری: www.hamshahronline.ir
سایت روزنامه: newspaper.hamshahronline.ir

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سید کمال فرشی، شماره ۱۴
کد پستی: ۴۵۹۵۴-۱۹۶۶۶ | تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵۵۴۴۴
تلفن: ۲۲۰۳۳۰۰۰، ۲۲۰۴۶۰۶۷ | فکس: ۲۲۰۳۳۰۰۰

پدربزرگ آگهی: ۸۳۲۳۱۰۰۰
چاپ: همشهری
تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰
تلفن اشتراک: ۶۱۹۳۳۱۱۴

حضرت امیر المؤمنین علی:
هر که جوینده چیزی باشد به تمام آن یافه
قسمتی از آن می‌رسد.

اذان ظهر: ۱۳:۰۳ | غروب آفتاب: ۱۸:۴۳
اذان مغرب: ۱۹:۰۱ | نیمه شب شرعی: ۲۳:۰۸
اذان صبح فردا: ۳:۵۴ | طلوع آفتاب فردا: ۵:۳۳

ایرانشهر:
دبیر: زهرا عباسی
تدوین: سحر
مدیر: سعید محمدی
دبیر: مریم سرخوش
سرخ:
مدیر: جواد عزیزی
مدیر: سعید مروی
دبیر: محمد جعفری
دانش: سحر
مدیر: ساسان شادمان
دبیر: زهرا خلجی
سرزمین من:
مدیر: محمد باریکانی

جامعه:
دبیر: شهیدمطیاطی
گزارش:
مدیر: ماسعود میر
دبیر: ماسعود میر
۲۴ (سینما و تلویزیون):
مدیر: سعید مروی
دبیر: علیرضا محمودی
صفحه آخر:
دبیر: جواد نصرتی

طرح و گرافیک:
دبیر: محمدعلی حلیمی

سیاسی و دیپلماتیک:
مدیر: حسین ارجلو
شهرنگار:
مدیر: پروانه بهرام‌نژاد
دبیر: مریم باقرپور

اقتصاد:
مدیر: حسین لطفی
دبیر: مریم موسوی‌پور

تماشگر:
مدیر: امیرمحمد یعقوب‌پور
دبیر: لیلی خرسند

صاحب امتیاز:
مؤسسه همشهری
مدیر مسئول: محسن مهدیان
مدیر: دانیال معمار
دبیر: تهریریه:
سیدمجتبی صادقی
معاونان: سردبیر:
شهرام فرهنگ، علی عمادی
شاهین امین، حامد فوقانی
مدیر فنی: حامد یزدانی
مدیر هنری: مهدی سلامی
دبیر: عکس: امیر پناهپور

تندیس ۸۹ ساله تهران



میدانی که امروز در تقاطع خیابان‌های امام خمینی (ره) و کارگر جنوبی با نام «حر» شناخته می‌شود، یکی از قدیمی‌ترین میدان‌های پایتخت است. جالب است بدانید که تندیس میدان حر تهران تنها مجسمه باقیمانده از دوران پهلوی دوم است. غلامرضا رحیم‌زاده از رنگ، نقاش، مجسمه‌ساز و پیکر تراش ایرانی بود که در سال ۱۳۰۷ در بخش زیباسازی بلدیه تهران مشغول به کار شد و ساخت ۴ تندیس را برعهده گرفت که در میدان‌های سپه، راه‌هن، بهارستان و نقش جهان اصفهان نصب شدند. مهم‌ترین کار او مجسمه میدان حر است که بر پایه‌ای بتنی نصب شده است. طراحی مجسمه را انجام داد و با همکاری پسر خاله نو جوانش، میرحسن از رنگ‌نژاد که بعدها دامادش هم شد، کار قالب‌گیری و ساخت قطعاتش را به سرانجام رساند. ارتفاع مجسمه ۶،۵ متر است که روی یک سکوی بتنی نصب شده و با نيزه‌ای که مرد ازدها کش در دست دارد، ارتفاع این تندیس به ۱۲،۵ متر می‌رسد. این بنا نیز در پیروز مندانان گر شانسب از پهلوانان شاهنامه را با ازدها نشان می‌دهد. ساخت مجسمه گر شانسب که نیزه‌ای به دست دارد و در حال نبرد با ازدهایی است که به دور بدن او پیچیده و دهان خود را باز کرده است ۲ سال به طول انجامید و کار نصب آن در سال ۱۳۱۵ انجام شد.

یاد شیراز در قلب تهران

گشت و گذار تاریخی در خیابان سعدی که نمادی از علاقه مردم پایتخت به شاعر شیرین سخن شیراز است

قرار است جهان، کلاه از سر بردارد و به هنر انسانی و بی‌بدیل او ادای احترام کند، اما تهران در ادای احترام به جناب سعدی پیشقدم بود؛ چون نام یکی از خیابان‌هایش را از دیرباز به نام این شاعر قرن هفتمی تغییر داد. حالا در خیابان سعدی، گشتی می‌زنیم و عکس‌های کمتر دیده شده این خیابان را از نظر می‌گذرانیم.

جناب سعدی را که می‌شناسید؛ همان شاعر شیرین سخن پارسی‌گوی که با نظم و نثرش در بوستان و گلستان، در و گوهر فشاند و با غزلیاتش، جهانی را محو افکار و اندیشه‌های این جهانی خود کرد. حالا در نخستین روز اردیبهشت و به مناسبت بزرگداشت پادشاه سخن، سیدمروش مطیاطی‌پور



ساختمان سینگر

ناصرالدین شاه که شیفته غرب شده بود، به تقلید از کشورهای اروپایی، دستور داد در خیابان لختی، باغ‌وحشی به سبک اروپایی‌ها بسازند. وقتی باغ‌وحش ساخته شد، آن را «مجمع وحوش» نامیدند و آن‌قدر تهرانی‌ها را تحت تأثیر قرار داد که خیابان باریک را خیابان باغ‌وحش هم می‌گفتند. تا اوایل دوره پهلوی اول در خیابان باغ‌وحش هیچ کدانی نبود، تا اینکه آهسته آهسته این خیابان هم پا گرفت. می‌گویند نخستین ساختمان مدرن در این خیابان، ساختمان سینگر بوده دفتر کار خانه‌ای آمریکایی که چرخ خیاطی تولید می‌کرد و آن‌قدر کارش در ایران گرفت که در دوره پهلوی اول، ساختمان مدرنی در خیابان باغ‌وحش بنا کرد و روی سردرش نوشت: «سینگر». از دیگر ساختمان‌های معروف در این خیابان، ساختمان خودروی سنگین آمریکایی «دوج» بود که با ورود این شرکت و احداث ساختمان‌های خصوصی دیگر، این خیابان نام بی‌کلاس «لختی» را از دست داد و به احترام شیخ اجل، آن را «سعدی» نامیدند. این تصویر از ساختمان سینگر را عکاس همشهری در سال ۱۳۸۴ گرفته است.



خیابان لختی

در دوره حکومت قاجار و زمانی که تهران تازه در حال شکفتن بود، خیابان لاله‌زار کنونی باغی بود پر از لاله و گل و نفر جگای خارج از شهر برای اعیان و اشراف. تا اینکه جناب ناصرالدین شاه در یکی از سفرهایش به فرانسه، محو خیابان شانزلیزه شد و وقتی به تهران بازگشت، دستور داد باغ‌های لاله را خراب کنند و خیابانی شبیه شانزلیزه در تهران ساخته شد. دوطرف این خیابان هم پر شد از مغازه و سینما و تماشاخانه، اما پشت مغازه‌های لاله‌زار و به موازات آن، ویرانه‌ای بود بدون دار و درخت که کمتر کسی جرأت می‌کرد پا به آنجا بگذارد، نامش را هم خیابان «لختی» گذاشته بودند؛ یعنی اگر اینجا پدیدت شود، راهزنان شهری، جیبیت را می‌زنند. خیابان لختی، همان خیابان سعدی شد که حالا می‌بینید. این عکس قدیمی، سال ۱۳۳۱ حوالی تقاطع خیابان سعدی با منوچهری را نشان می‌دهد.



دروازه دولت

این عکس، تقاطع خیابان سعدی با خیابان انقلاب را در سال ۱۳۳۵ نشان می‌دهد.

سینما سعدی

استقبال مردم از فیلم سینمایی «ضربت» به کارگردانی ساموئل خاچیکیان در سینما سعدی به سال ۱۳۴۲

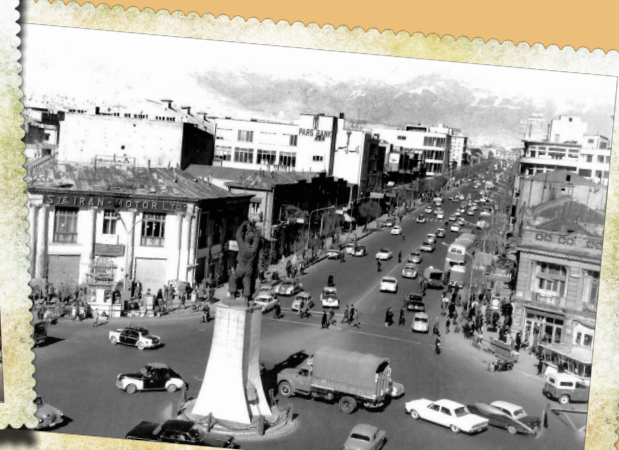
بیمارستان امیراعلم

یکی از قدیمی‌ترین بیمارستان‌های آموزشی تهران، بیمارستان نسوان است که در سال ۱۲۸۵ شمسی و به همت دکتر امیراعلم در بخش شمالی خیابان سعدی برای زنان تأسیس شد و از سال ۱۳۲۲ شمسی و به احترام خدمات ارزشمند بنیانگذارش به بیمارستان امیراعلم تغییر نام یافت.



تاکسی‌های نارنجی

عکاس در این تصویر، لنز را به سوی شمال خیابان سعدی گرفته و در سال ۱۳۴۶ از میدان مخبرالدوله عکس گرفته است. در این تصویر، خودروهای تاکسی نارنجی و اتوبوس‌ها به چشم می‌آیند.



میدان مخبرالدوله

وقتی ناصرالدین شاه می‌خواست تهران را گسترش دهد، میدان مخبرالدوله را ساخت، اما بناهای اطراف آن مربوط به دوره پهلوی است. این تصویر در سال ۱۳۴۳ شکار شده و اکنون به آن چهارراه مخبرالدوله یا استقلال می‌گویند.



مجسمه جناب سعدی

اگر بخواهیم از جدیدترین تغییر در خیابان سعدی یاد کنیم، می‌توانیم به مجسمه سعدی اشاره کنیم. مجسمه‌ای برنزی با بیش از ۷ متر ارتفاع که در اردیبهشت ۱۴۰۲ در تقاطع خیابان‌های انقلاب و سعدی رونمایی شد.



همیشه شلوغ

این تصویر خیابان سعدی را با خودروهای قدیمی آن روزگار تهران در سال ۱۳۴۵ نشان می‌دهد. ساختمان سینگر هم در سمت راست تصویر پیداست.



ساختمان بیمه

یکی از نخستین ساختمان‌های بیمه به شکل امروزی در خیابان سعدی متولد شد. این تصویر مربوط به ساختمان بیمه ایران در سال ۱۳۳۰ است.



تهران مصور

بشکه‌داران به جای میراب‌ها



آب تهران تا پیش از لوله‌کشی از راه قنات‌ها تامین می‌شد، اما جمعیت شهر که افزایش یافت شغل میرابی از رواج افتاد و برخی‌ها، مسئول تقسیم آب قنات‌ها و آب نوشیدنی در میان محله‌های مختلف شهر شدند. در چنین شرایطی بود که مشاغل تازه‌ای به وجود آمد و بعدها صاحبان این مشاغل برای خودشان دفتر و دستکی را انداختند. پس از سلطنت پهلوی شغل میرابی، جای خود را به حمل و توزیع آب با استفاده از بشکه داد. صنف بشکه‌داران که شکل گرفت آنها علاوه بر ابرسانی به مردم تهران، وظیفه لایروبی قنات‌ها و تصفیه آب را نیز برعهده گرفتند. افراد این صنف از نظر بهداشتی زیر نظر انستیتو پاستور فعالیت می‌کردند. تا سال ۱۳۳۵ شمسی ابرسانی به ساکنان پایتخت با ۴۲۰ بشکه انجام می‌شد. بنابر اسناد موجود ۱۲ هزار کارگر و عائله با این شغل روزگار می‌گذراندند. بشکه‌داران آب تهران را از ۲۶ رشته قنات که معروف‌ترین آنها قنات شاه قنات فرمافرما در خیابان پاستور قنات سرچشمه در چهارراه سرچشمه تهران بود، تامین می‌کردند. بشکه‌داران با یک درشکه که روی آن بشکه بزرگ آهنی قرار می‌گرفت، آب را حمل می‌کردند. اتحادیه بشکه‌داران ترتیبی داده بود که هر بشکه‌دار فقط از قنات تعیین شده خود آب بردارد. سورچی (راننده درشکه) آب را به مشترکان خود در محله‌ها می‌فروخت و از وروده برحیم بشکه‌داران دیگر خودداری می‌کرد. وضعیت تأمین آب در تهران تا دهه ۳۰ شمسی به این صورت ادامه داشت تا اینکه لوله‌کشی آب آغاز شد و شیرهای آب عمومی مشهور به «فشاری» در برخی از محله‌های پرجمعیت نصب شد. در دهه ۴۰ شمسی نیز لوله‌کشی آب گسترش یافت و شغل بشکه‌داری به تاریخ پیوست.



سوزه‌روز



پویش شازده کوچولو

شازده کوچولو در اثر ماندگار آنتوان دو سنت اگزوپری، عاشق سیاره‌اش بود؛ چون در آنجا گلی داشت که آن را کاشته و اهلی کرده بود. او معتقد بود اگر در سیاره‌ای گلی داشته باشی که تو آن را کاشته باشی، وقتی حتی در سیاره‌ای دیگر هستی، تماشا می‌کنی شب برای تو شیرین خواهد شد؛ چون وقتی به آسمان نگاه می‌کنی، به این امید هستی که گلت را ببینی، پس همه ستارگان برای تو مثل شکوفه‌های گل می‌شوند... شاید ایده پویش «فلس‌های تازه شهر» با شعار «هر نوزاد یک درخت» هم همین نگاه شازده کوچولو را دنبال می‌کند؛ اینکه هر نوزاد پایتخت، وقتی متولد می‌شود، صاحب نهالی شود و آن نهال را به نام خودش در بوستانی بکارند و گهگاهی به آن سر بزنند و چون نهال او در این محله و شهر و سرزمین و سیاره است، وقتی بزرگ شد، محله و شهر و سرزمین و سیاره‌اش را پیش از گذشته دوست داشته باشد. حالا این پویش، دوره چهارم‌ش را بسط می‌کند و در همه ۵۳ محله پایتخت در حال برگزاری است و تا پایان اردیبهشت ادامه دارد.